

نشانه‌های توسعه‌نیافتگی و

انفعال جوامع



مراد راهداری

دکترای اقتصاد و عضو هیئت علمی دانشگاه

بعضی جوامع بر این باورند که اگر صنایع پیشرفته وارد کنند و به تولید محصولات صنعتی بپردازند، یا در زندگی جمعی از کالاهای صنعتی، مانند تلفن همراه، م트로، هویپسا و مانند آن، فراوان استفاده کنند، صنعتی شده‌اند و به دنیای پیشرفته پا گذاشته‌اند. برخی نیز می‌پندارند صرف وجود دانشگاه در جامعه، به معنای سلطه علمی بر طبیعت است و رفتارها نیز به تبع آن، علمی و مبتنی بر عقلانیت شده است. حال آنکه نه کاربرد صنعت و نه وجود دانشگاه، به‌خودی‌خود نشانه پیشرفت نیست. می‌توان دانشگاه داشت، اما از علم‌پروری و خردورزی در حیات جمعی عقب بود. می‌توان کالبد صنعت را داشت، اما از محتوا، فرهنگ، زنجیره و سامانه تولید صنعتی بی‌بهره ماند و از دنیای علوم و مدیریت صنعتی عقب افتاد. زیرا دانشگاه و صنعت، لوازم و مؤلفه‌هایی دارند که اگر در بستر اجتماعی موجود نباشند، یا ضعیف و ناکارآمد باشند، صرف حضور ظاهری آنها در جامعه نتیجه‌بخش نخواهد بود؛ بلکه گاه اثر معکوس دارد یا بی‌خاصیت می‌ماند و تباه می‌شود. همین موضوع درباره دستگاه‌های اداره‌کننده کشور نیز صادق است؛ زیرا آنها نیز در جوامع پیشرفته، محصول فرایند توسعه‌یافتگی‌اند. یعنی اگر پارلمان، دولت یا زیرمجموعه‌هایش، دستگاه دادگستری و نظایر آنها، در چارچوب ادبیات و سبک‌وسایقی برخاسته از سطح بالای علم و فرهنگ شکل بگیرند، با کیفیتی پیشرفته عمل کنند و وظایف خود را به‌خوبی انجام دهند، آنگاه می‌توان آنها را نشانه‌ای از رسیدن آن جامعه به مراحل والای توسعه‌یافتگی دانست؛ وگرنه، مانند درخت بی‌ثمر است. قطعا تحت شرایط متعارف، نداشتن ثمر، به کیفیت درخت مربوط است. اگر جامعه‌ای در چار رفتارهای نابهنجار باشد، به‌گونه‌ای که آمار اعتبار، اختلاس، سرقت، نزاع و طلاق در آن نسبت به جمعیت بالا باشد، یا اگر دولت‌ها در گمراهی به سر ببرند و در اداره کشور عاجز باشند، چنان‌که نتوانند تورم را مهار کنند یا بیکاری را در مدتی معین کاهش دهند، باید علل آن را در نبود فرهنگتی بازگیران اجتماعی، اعم از بخش عمومی و خصوصی، جست‌وجو کرد. طبق نظریه حرکت جوهری در فلسفه، اگر در صورت، خلل و نابهنجاری آشکار است، قطعا در درون نیز رخدادی مرتبط روی داده و این تغییر ریشه در محتوا دارد. در شرایط مقتضی کارکرد مطلوب، چنانچه در زنجیره تولید صنایع یا در دامپورزی، کشاورزی، ساخت‌وساز مسکن، راه‌سازی و مانند اینها ناهماهنگی و ناترازی وجود دارد؛ اگر سیاست‌های مالی و پولی و برنامه‌های دولت گره‌گشا نیست؛ اگر خوداتکایی ممکن نیست و بومی‌سازی بسیاری از محصولات علم‌محور با موانع به‌اصطلاح ساختاری روبه‌روست، این دقیقا به معنای اشکال در درون و محتوای جامعه است. برای ساده‌سازی، دوباره مثال می‌آوریم. قیمت در اقتصاد، نشانه ارزش‌گذاری عملی بر یک کالا یا فعالیت است. در شرایطی که اقتصاد آزاد و رقابتی نسبتا درست عمل کند، عرضه و تقاضای مؤثر معیار تعیین ارزش و مبادله قرار می‌گیرد. جامعه‌ای که از مقام به‌اصطلاح شاخص معلم و استاد دانشگاه سخنی نمی‌گوید، اما در آمد ماهانه این قشر، از رفنگر کشوری همسایه، مانند عراق یا ۴۰۰ دلار، کمتر است؛ این چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ آیا نباید در ارزش‌ها و هدف‌گذاری‌های آن جامعه تردید کرد؟ در

تحلیل تطبیقی، قیمت‌های نسبی اهمیت دارند. آیا بهای خودرو و حتی مسکن در کشور، از سطح جهانی بالاتر نیست؟ پس سطح درآمد‌ها و ناترازی آن با قیمت‌ها، از کج‌روی در دادوستدها و معمراری نادرست نظام ارزش‌های اجتماعی حکایت می‌کند. باید دید جایگاه معلم در عمل کجاست و چرا در شمار اقتدار مستضعف قرار گرفته است. در روزهایی که به ظاهر زمان پادشاست مقام معلم و استاد بود، این قشر در سال جاری به‌شدت تحقیر شد؛ چندین نوبت پرداخت حقوقشان با مانع روبه‌رو شد. شگفت آنکه درست در همان زمان، رئیس دولت از نقش سازنده و بالنده اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و از حل مسائل کشور به‌دست آنان سخن می‌گفت، بی‌آنکه ببیند همکاران پزشک آنان برای درمان زانو، دیسک کمر یا بازکردن عروق قلب چه دستمزدی می‌گیرند و متخصص اقتصاد، علوم اجتماعی، سیاست و مدیریت قرار است برای حل مسائل کشور چه مزدی دریافت کند.

در یادداشت هفته گذشته از ضرورت بازنگری در شیوه حکمرانی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی سخن گفتم. نقش و جایگاه دولت در اقتصاد ملی یکی از مهم‌ترین سرفصل‌ها در اقتصاد است که باید بررسی و بازنگری شود. از جنبه نظری، دولت ناظر، تسهیلگر و هدایت‌کننده فعالیت‌های اقتصادی در مسیر رشد و شکوفایی اقتصادی است و این نقش مهم را باید با کمترین هزینه و بالاترین درجه اثربخشی به انجام برساند. باین‌حال در اولین نگاه به وضع موجود دولت می‌توان تفاوت چشمگیر آن را با وضعیت مطلوب دریافت: تشکیلاتی عظیم که از یک سو به فعالیت‌هایی می‌پردازد که در حوزه وظایف اصلی‌اش نمی‌کنجد، از سوی دیگر بخشی مهم و وظایف اصلی خود را کنار گذاشته است. همچنین این تشکیلات بسیار برهزینه‌است. قانون اساسی دولت را از تبدیل‌شدن به کارفرمای بزرگ اقتصادی منع کرده است. اما اینک دولت یک پله نازل‌تر از آن، خود را در وضعیت کارفرمای بزرگ اداری قرار داده است. در سال‌های گذشته برنامه‌های پنج‌ساله توسعه دولت‌های وقت را ملزم می‌کرد که در مسیر کوچک‌ترکردن تشکیلات خود و کاهش تعداد کارکنان به‌صورت تدریجی گام بردارند. اما دولت نهم با حرکتی گزاف‌نبری در خلاف مسیر برنامه‌ها حرکت کرد. در دوره‌های بعدی هم برخی دولت‌ها با استخدام گسترده نیروهای مرتبط با جریان‌های سیاسی مطلوب خود، بر بار هزینه‌های دولت افزودند. حال نقوذ صاحبان منافع در ساختار تصمیم‌سازی و حتی تصمیم‌گیری کشور را نیز به این دشواری بزرگ اضافه کنید. در چنین شرایطی ممکن است تصمیماتی توسط دولت‌مردان گرفته شود که به‌جای حل مشکل اقتصاد ملی، منافع عظیمی را نصیب رانت‌خواران بکند. مهم‌ترین سرفصل‌های بازنگری در جایگاه دولت در اقتصاد امروز کشور را به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱. دولت توسعه‌گرا اولین و ضروری‌ترین نیاز یک کشور در حال توسعه است. اولین شرط توسعه‌گرا بودن اولویت‌دادن به منافع ملی فراتر از هر هدف دیگر است و در مرحله بعد تلاش برای بهره‌گیری از دانش افن و اندیشمندان کشور برای درک بهتر صورت‌مسئله و یافتن بهترین شیوه هدایت کشور در مسیر توسعه مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲. بودجه سالانه دولت کاتال ارتباط این تشکیلات با اقتصاد ملی است. ازاین‌رو اصلاح بودجه و نظام بودجه‌ریزی کشور از اهمیتی جدی برخوردار است. اولین مسئله در این حوزه این است که دولت برخی از منابع درآمدی را در اختیار خود ندارد و از سوی دیگر سال‌به‌سال تعهدات هزینه‌ای خاصی به دولت تحمیل شده که مرتبط با وظایف اصلی دولت نیست. نتیجه قهری

یکشنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۵
۲۱ ذی‌الحجه ۱۴۴۷
۷ ژوئن ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۴۰۲
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: تحلیل فلسفی از زبان رنگ • تاریخ تحریف فروید • تناقض‌های اعداد در کالابریگ • بیانیه تند فدراسیون فوتبال ایران علیه آمریکا

«شرق» در شصت‌ویکمین روز آتش‌بس روایت می‌کند؛ معادلات در سایه جنگ، مذاکرات در بن‌بست

منطقه در وضعیت انتظار

عبدالرحمن فتح‌اللهی: ۶۱ روز از اعلام آتش‌بس میان ایران و آمریکا می‌گذرد؛ آتش‌بسی که در نخستین روزهای شکل‌گیری، بسیاری آن را مقدمه‌ای برای عبور از بحران و ورود به مسیر توافق‌ی فراگیر ارزیابی می‌کردند. اما اکنون، پس از گذشت دو ماه، نه‌تنها نشانه‌ای جدی از نزدیک‌شدن تهران و واشینگتن به یک تفاهم پایدار دیده نمی‌شود، بلکه تحولات میدانی روزهای اخیر نشان می‌دهد معادلات منطقه‌ای وارد مرحله‌ای تازه شده است؛ مرحله‌ای که می‌توان آن را «مدیریت تنش زیر سقف جنگ» نامید. در همین حال، با وجود تداوم تلاش‌های میانجی‌گرانه پاکستان و انجام دور تازه‌ای از رفت‌وآمدهای دیپلماتیک میان اسلام‌آباد و تهران، از جمله سفر مجدد محسن تقوی، وزیر کشور پاکستان، به ایران هنوز نشانه روشنی از کاهش فاصله مواضع دو طرف مشاهده نمی‌شود و روند مذاکرات همچنان با ابهام‌های جدی روبه‌رو است. با وجود تداوم تکاپوهای گذشته تا دیروز شنبه در محدوده خلیج فارس و تنگه

«شرق» از تداوم تنش در خلیج فارس و تأثیر آن بر آمریکا و چین به عنوان دو اقتصاد بزرگ جهان گزارش می‌دهد؛

جنگ سرد نفت؟

صفحه ۳

یادداشت

دیپلماسی در نقطه صفر مرزی؛ اینجا جای کاسبی با رادیکالیسم نیست



امیر نیک‌رویان

روزنامه‌نگار

تخریب حریف، مهار خشونت و آغاز بازسازی ملی است. وقتی بوی باروت فرو می‌نشیند و ضرورت ترمیم زیرساخت‌های آسیب‌دیده رخ می‌نماید، میز مذاکره دیگر یک انتخاب تزئینی نیست، بلکه قلب تپنده و استمرار منطقی سازوکار دفاع ملی است. مسئله اصلا این نیست که همه در داخل باید چشم‌پسته برای مذاکره‌کنندگان کف بزنند یا باب نقد بسته شود. مخالفت مبتنی بر داده‌های متقن، برآورد هزینه‌های اقتصادی پس از جنگ و ارائه «الترناتیو عملی و کارآمده، نیاز قطعی و حیاتی بویابی امنیت ملی است. اما آنچه این روزها از حنجره برخی نوتندروها و مدعیان همیشگی پمپاژ می‌شود، نقد دلسوزانه سیاست خارجی نیست؛ تقلیل یک پرونده پیچیده کلان به سطح کل‌کل‌های سکونی، عملیات‌های هیجانی توپیتیری و نزاع‌های سخیف محفلی است. گویی سیاست بین‌الملل، یک «رنالیتی‌شوی»

یادداشت

بازنگری در نقش و جایگاه دولت در اقتصاد ملی



ناصر ذاکری

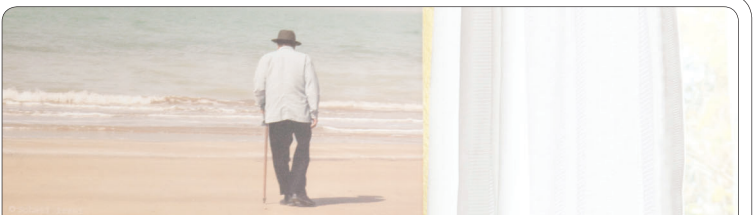
کارشناس اقتصادی

در یادداشت هفته گذشته از ضرورت بازنگری در شیوه حکمرانی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی سخن گفتم. نقش و جایگاه دولت در اقتصاد ملی یکی از مهم‌ترین سرفصل‌ها در اقتصاد است که باید بررسی و بازنگری شود. از جنبه نظری، دولت ناظر، تسهیلگر و هدایت‌کننده فعالیت‌های اقتصادی در مسیر رشد و شکوفایی اقتصادی است و این نقش مهم را باید با کمترین هزینه و بالاترین درجه اثربخشی به انجام برساند. باین‌حال در اولین نگاه به وضع موجود دولت می‌توان تفاوت چشمگیر آن را با وضعیت مطلوب دریافت: تشکیلاتی عظیم که از یک سو به فعالیت‌هایی می‌پردازد که در حوزه وظایف اصلی‌اش نمی‌کنجد، از سوی دیگر بخشی مهم و وظایف اصلی خود را کنار گذاشته است. همچنین این تشکیلات بسیار برهزینه‌است. قانون اساسی دولت را از تبدیل‌شدن به کارفرمای بزرگ اقتصادی منع کرده است. اما اینک دولت یک پله نازل‌تر از آن، خود را در وضعیت کارفرمای بزرگ اداری قرار داده است. در سال‌های گذشته برنامه‌های پنج‌ساله توسعه دولت‌های وقت را ملزم می‌کرد که در مسیر کوچک‌ترکردن تشکیلات خود و کاهش تعداد کارکنان به‌صورت تدریجی گام بردارند. اما دولت نهم با حرکتی گزاف‌نبری در خلاف مسیر برنامه‌ها حرکت کرد. در دوره‌های بعدی هم برخی دولت‌ها با استخدام گسترده نیروهای مرتبط با جریان‌های سیاسی مطلوب خود، بر بار هزینه‌های دولت افزودند. حال نقوذ صاحبان منافع در ساختار تصمیم‌سازی و حتی تصمیم‌گیری کشور را نیز به این دشواری بزرگ اضافه کنید. در چنین شرایطی ممکن است تصمیماتی توسط دولت‌مردان گرفته شود که به‌جای حل مشکل اقتصاد ملی، منافع عظیمی را نصیب رانت‌خواران بکند. مهم‌ترین سرفصل‌های بازنگری در جایگاه دولت در اقتصاد امروز کشور را به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱. دولت توسعه‌گرا اولین و ضروری‌ترین نیاز یک کشور در حال توسعه است. اولین شرط توسعه‌گرا بودن اولویت‌دادن به منافع ملی فراتر از هر هدف دیگر است و در مرحله بعد تلاش برای بهره‌گیری از دانش افن و اندیشمندان کشور برای درک بهتر صورت‌مسئله و یافتن بهترین شیوه هدایت کشور در مسیر توسعه مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲. بودجه سالانه دولت کاتال ارتباط این تشکیلات با اقتصاد ملی است. ازاین‌رو اصلاح بودجه و نظام بودجه‌ریزی کشور از اهمیتی جدی برخوردار است. اولین مسئله در این حوزه این است که دولت برخی از منابع درآمدی را در اختیار خود ندارد و از سوی دیگر سال‌به‌سال تعهدات هزینه‌ای خاصی به دولت تحمیل شده که مرتبط با وظایف اصلی دولت نیست. نتیجه قهری

شرق



گفت‌وگوی حسین گنجی با جواد مجابی درباره نقاشی‌هایی که در روزها و شب‌های بستری شدن او در بیمارستان ایرانمهر شکل گرفتند



این گفت‌وگورا در صفحه ۴ بخوانید.عکس:عباس کوزلی شرق



عبدالله معارفی نوازنده سنتور درگذشت

۸

برگزیده‌ها

«در حال سقوط» بورا کاریرا؛

مسئله سازماندهی جدید کارزندگی

۷

فعلا

منتظریم

یادداشتی از بویا نعمت‌اللهی

۸

جام ۲۰۲۶

دغدغه سفر کاروان ایران به آمریکا رفع می‌شود؟

تاج و دوستان پشت گیت

۶

یادداشت

بحران عینک مذاکرات



سیدمحمدعلی ابطیعی

نقل است ملا می‌گفت در کوچه بالایی آش می‌دهند. مردم هم به سمت کوچه بالایی می‌رفتند. آن‌قدر این حرف را هر روز تکرار کرد که خودش هم باورش شد. یک روز دیدند ملا هم کاسه به دست به سمت کوچه بالایی می‌رود. دوستانش پرسیدند: کجا؟ گفت: می‌روم آش بگیرم!

حالا در عالم سیاست چنین اتفاقی افتاده است. مدت‌ها بود که به هر دلیل به جریان‌های افراطی و تندرو میدان داده بودند. دیگران هم دیده نمی‌شدند؛ خالص‌سازی، اما همه اینها برای آن بود که احیانا ضدانقلابی، معاند یا براندازی قد علم نکند. به عبارتی قرار بود این مجموعه پشتوانه سیستم باشند. اما این جریان‌ها آن‌قدر در این تحولات استقلال پیدا کردند که مکتب تندروی، خودش به یک عامل تعیین‌کننده تبدیل شد و مهم‌تر از همه، در ماجرای مذاکرات به یک قطب اثرگذار بدل شد.

اینکه در ایران یک مجموعه تندرو و قدرتمند وجود داشته باشد، به‌خودی‌خود مشکلی نیست و حتی در مواردی می‌تواند مفید هم باشد. در آن سوی ماجرا هم تندروها هستند. ترامپ هم بارها آنها را به رخ کشیده است. ما هم می‌توانیم به دنیا بگوییم که تندروها وجود دارند. اما مشکل شرایط فعلی این است که برخی مسئولان کشور باور کرده‌اند که واقعا در کوچه بالایی آش می‌دهند. عینکی به چشم زده‌اند که گویی در مذاکرات فقط باید تندروها را راضی کرد. با هر محاسبه‌ای، تعداد افراطی‌ها بسیار اندک است. قرار هم بوده که تحت مدیریت و کنترل باشند. اما انکار آش کوچه بالایی را باور کرده‌ایم. به ادبیات برخی مسئولان در موضوع مذاکرات توجه کنید. در این عینک، گویی ملت ایران همان مجموعه محدود هستند که باید به شکلی قانع شوند. اگر مذاکرات با هدف دورکردن کشور از جنگ، رفع تحریم‌ها و بهبود زندگی و معیشت مردم انجام می‌شود، جهت نگاه و عینک خود را به سمت اکثریت مردم ببرید؛ مردمی که این بلاکنلیفی و تعلیق، زندگی را بر آنان دشوار کرده است.

کوچه بالایی آش نمی‌دهند.

۴

۳

۲

۱

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

۰

آگهی تجدید مناقصه عمومی

همزمان با ارزیابی (یکبار چه) یک مرحله‌ای

جهت باز نویسی شبکه کشوری آزمایشگاهی و پشتیبانی

از نسخه های قدیم و جدید (نوبت اول)

شناسه آگهی۲۱۹۶۳۷۲ م الف ۶۹۹ رجوع به صفحه ۳



۴

۳

۲

۱

جناب آقای محبتی نظری

درگذشت مادرگرامی‌تان را

به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنم.

از خدای سبحان برای آن مرحومه غفران

و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر مسئلت دارم.

مهدی رحمانیان